



نقش مبانی نظام اقتصادی اسلام در تحقق مؤلفه‌های توسعه اقتصادی

پوهنمل عبدالمنان حسینی

رشته ثقافت اسلامی، پوهنخی شرعیات، پوهنتون فراه

ایمیل: abdulmananhussaini74@gmail.com

چکیده

توسعه اقتصادی یکی از مهم‌ترین اهداف جوامع معاصر است که تحقق آن علاوه بر عوامل مادی، نیازمند مبانی اعتقادی، اخلاقی و ارزشی است. نظام اقتصادی اسلام با برخورداری از مبانی منسجم، چارچوبی جامع برای سامان‌دهی فعالیت‌های اقتصادی و تحقق توسعه همه‌جانبه ارائه می‌کند. هدف این تحقیق، تبیین نقش مبانی نظام اقتصادی اسلام در تحقق مؤلفه‌های توسعه اقتصادی است. در این تحقیق، عقیده و توحید، ثواب و عقاب، حلال و حرام، استخلاف و پرهیز از ضرر رساندن به دیگران به‌عنوان مبانی نظام اقتصادی اسلام و رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و توسعه پایدار به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه اقتصادی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هر یک از مبانی نظام اقتصادی اسلام از طریق تقویت مسئولیت‌پذیری، ایجاد انگیزه‌های معنوی، هدایت فعالیت‌های اقتصادی در چارچوب حلال، حفظ حقوق افراد و صیانت از منافع عمومی، نقش مؤثری در تحقق رشد اقتصادی، استقرار عدالت اجتماعی، کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و دستیابی به توسعه پایدار ایفا می‌کند. بر این اساس، توسعه اقتصادی در اندیشه اسلامی صرفاً به افزایش تولید و درآمد محدود نمی‌شود، بلکه فرآیندی ارزش‌محور و همه‌جانبه است که در پرتو مبانی اعتقادی و اخلاقی اسلام، رفاه مادی و معنوی جامعه را به‌طور هم‌زمان تأمین می‌کند.

کلمات کلیدی: توسعه اقتصادی، توزیع درآمد، توسعه پایدار، رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، کاهش فقر، مبانی نظام اقتصادی اسلام

دور أسس النظام الاقتصادي الإسلامي في تحقيق مكونات التنمية الاقتصادية

الاستاذ المساعد عبدالمنان "حسيني"

الملخص

تُعَدُّ التنمية الاقتصادية من أهم أهداف المجتمعات المعاصرة، إذ إن تحقيقها، إلى جانب العوامل المادية، يحتاج إلى أسس عقدية وأخلاقية وقيمية. ويقدم النظام الاقتصادي الإسلامي، بما يتمتع به من أسس متكاملة، إطاراً شاملاً لتنظيم الأنشطة الاقتصادية وتحقيق التنمية الشاملة. ويهدف هذا البحث إلى بيان دور أسس النظام الاقتصادي الإسلامي في تحقيق مكونات التنمية الاقتصادية. وقد تناول البحث العقيدة والتوحيد، والثواب والعقاب، والحلال والحرام، والاستخلاف، وتجنب الإضرار بالآخرين بوصفها أسساً للنظام الاقتصادي الإسلامي، كما تناول النمو الاقتصادي، والعدالة الاجتماعية، والحد من الفقر، وتحسين توزيع الدخل، والتنمية المستدامة بوصفها أهم مكونات التنمية الاقتصادية. وقد أُنجز هذا البحث بالمنهج الوصفي التحليلي، بالاعتماد على المصادر المكتبية. وتُظهر نتائج البحث أن كلاً من أسس النظام الاقتصادي الإسلامي يؤدي، من خلال تعزيز المسؤولية، وإيجاد الحوافز المعنوية، وتوجيه الأنشطة الاقتصادية ضمن إطار الحلال، وحفظ حقوق الأفراد، وصيانة المصالح العامة، دوراً فاعلاً في تحقيق النمو الاقتصادي، وإرساء العدالة الاجتماعية، والحد من الفقر، وتحسين توزيع الدخل، وتحقيق التنمية المستدامة. وبناءً على ذلك، فإن التنمية الاقتصادية في الفكر الإسلامي لا تقتصر على زيادة الإنتاج والدخل، بل هي عملية قائمة على القيم وشاملة الأبعاد، تسهم، في ضوء الأسس العقدية والأخلاقية للإسلام، في تحقيق الرفاه المادي والمعنوي للمجتمع في آنٍ واحد.

الكلمات المفتاحية: التنمية الاقتصادية، توزيع الدخل، التنمية المستدامة، النمو الاقتصادي، العدالة الاجتماعية، الحد من الفقر، أسس النظام الاقتصادي الإسلامي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الحمد لله الذي جعل العدل أساس العمران، وأقام الاقتصاد على مبادئ الحلال والإحسان، والصلاة والسلام على سيدنا محمد المبعوث رحمة للعالمين، وعلى آله وصحبه أجمعين و بعد.

توسعه اقتصادی یکی از مهم‌ترین اهداف هر جامعه است که تحقق آن نیازمند بهره‌گیری از نظامی کارآمد و مبتنی بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی است. نظام اقتصادی اسلام با اتکا بر آموزه‌های قرآن کریم و سنت نبوی، چارچوبی جامع برای سامان‌دهی فعالیت‌های اقتصادی ارائه می‌دهد که در آن رشد اقتصادی با عدالت، مسئولیت‌پذیری و رفاه عمومی همراه است. این نظام بر مبانی اعتقادی و اخلاقی همچون توحید، ثواب و عقاب، حلال و حرام، استخلاف و پرهیز از ضرر رساندن به دیگران استوار است و از طریق هدایت رفتارهای اقتصادی افراد و نهادها، زمینه تحقق مؤلفه‌های اساسی توسعه اقتصادی را فراهم می‌سازد. از این رو، تبیین نقش این مبانی در تحقق مؤلفه‌هایی مانند رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و توسعه پایدار، گامی مهم در شناخت ظرفیت‌های نظام اقتصادی اسلام برای دستیابی به توسعه‌ای متوازن، پایدار و ارزش‌محور به شمار می‌رود.

تحقق توسعه اقتصادی مستلزم برخورداری از مبانی فکری، اعتقادی و اخلاقی است که فعالیت‌های اقتصادی را به سوی رشد، عدالت و رفاه عمومی هدایت نماید. با وجود آنکه نظام اقتصادی اسلام از ظرفیت‌های گسترده‌ای برای تحقق توسعه اقتصادی برخوردار است، تاکنون نقش مبانی این نظام در دستیابی به مؤلفه‌های توسعه اقتصادی به صورت جامع و نظام‌مند مورد بررسی قرار نگرفته است. بسیاری از تحقیقات، اصول و احکام اقتصادی اسلام را به صورت مستقل تبیین کرده‌اند، اما کمتر به این سؤال پرداخته‌اند که مبانی اعتقادی و ارزشی این نظام چگونه می‌توانند در تحقق رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و توسعه پایدار نقش آفرینی کنند. این خلأ تحقیق،

بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های نظام اقتصادی اسلام را در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی با محدودیت مواجه ساخته است.

نظام اقتصادی اسلام با تکیه بر مبانی‌ای همچون توحید، ثواب و عقاب، حلال و حرام، استخلاف و پرهیز از ضرر رساندن به دیگران، الگویی ارزش‌محور برای سامان‌دهی فعالیت‌های اقتصادی ارائه می‌دهد. این مبانی ضمن جهت‌دهی به رفتارهای اقتصادی افراد و نهادها، زمینه تحقق توسعه‌ای متوازن، عادلانه و پایدار را فراهم می‌سازند. از این رو، بررسی نقش هر یک از این مبانی در تحقق مؤلفه‌های توسعه اقتصادی، می‌تواند ابعاد کارآمدی نظام اقتصادی اسلام را در پاسخ‌گویی به چالش‌هایی همچون فقر، نابرابری، توزیع نامتوازن درآمد و ضعف رشد اقتصادی آشکار سازد.

هدف این تحقیق، تبیین و تحلیل نقش مبانی نظام اقتصادی اسلام در تحقق مؤلفه‌های توسعه اقتصادی است. در این راستا، نقش مبانی یادشده در تحقق رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و توسعه پایدار بر اساس منابع معتبر اسلامی و مطالعات علمی، با روش توصیفی - تحلیلی بررسی می‌شود تا چارچوبی روشن از ارتباط میان مبانی نظام اقتصادی اسلام و توسعه اقتصادی ارائه گردد.

انتظار می‌رود یافته‌های این تحقیق، ضمن تبیین علمی نقش مبانی نظام اقتصادی اسلام در تحقق مؤلفه‌های توسعه اقتصادی، زمینه بهره‌گیری از این مبانی را در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی جوامع اسلامی فراهم سازد. همچنین، نتایج تحقیق می‌تواند به غنای ادبیات علمی اقتصاد اسلامی، ارائه الگوهای بومی توسعه، تقویت عدالت اجتماعی، کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و تحقق توسعه پایدار کمک کرده و به عنوان منبعی علمی برای محققان، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.

مطالعات متعددی درباره نظام اقتصادی اسلام و مبانی آن انجام شده است که بر ویژگی‌ها، اصول و شاخصه‌های متمایز این نظام تأکید دارند. فکری احمد نعمان (۱۴۰۵) در النظرية الاقتصادية فی الإسلام، نظام اقتصادی اسلام را الگویی جامع معرفی می‌کند که با تکیه بر اصول شریعت، تعادل میان مصلحت فردی و جمعی را تضمین کرده و

ویژگی‌هایی مانند عدالت و اعتدال را برجسته می‌سازد. حمد عبدالرحمن الجنیدل (۱۴۰۶) در مناہج الباحثین فی الاقتصاد الإسلامی، بر ثبات اصول شریعت و انعطاف‌پذیری در متغیرات فقهی تمرکز کرده و نقش این ویژگی‌ها را در پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصادی جوامع تبیین می‌کند. سعید سعد مرطان (۱۴۲۵) در مدخل للفکر الاقتصادي فی الإسلام، پیوند معنویت و مادیت را از ویژگی‌های اساسی این نظام دانسته و نقش نهادهایی مانند زکات را در تقویت همبستگی اجتماعی و عدالت اقتصادی بررسی می‌کند. سید قطب (۱۴۰۳) در خصائص التصور الإسلامی ومقوماته، ثبات را به عنوان یکی از مبانی اساسی در هدایت رفتارهای اقتصادی معرفی کرده و آن را ضامن هماهنگی فعالیت‌های انسانی با نظام آفرینش می‌داند. یوسف قرضاوی (۱۴۰۴) در الخصائص العامة للإسلام، اعتدال و توازن میان دنیا و آخرت را از ویژگی‌های بنیادین نظام اقتصادی اسلام برشمرده و بر نقش آن در تحقق توسعه پایدار تأکید می‌کند.

با وجود ارزش علمی این تحقیقات، بیشتر آن‌ها به تبیین ویژگی‌ها، اصول و مبانی نظام اقتصادی اسلام پرداخته‌اند و نقش این مبانی را در تحقق مؤلفه‌های توسعه اقتصادی به صورت مستقل و جامع بررسی نکرده‌اند. از این رو، تحقیق حاضر با تمرکز بر تحلیل نقش مبانی نظام اقتصادی اسلام، شامل توحید، ثواب و عقاب، حلال و حرام، استخلاف و پرهیز از ضرر رساندن به دیگران، در تحقق مؤلفه‌های رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و توسعه پایدار، می‌کوشد این خلأ علمی را تا حدی جبران نماید.

روش تحقیق

تحقیق حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از کتاب‌ها و مقالات علمی انجام شده است و با بررسی آیات قرآن کریم، احادیث نبوی (صلی الله علیه و سلم)، کتاب‌های علوم اسلامی و مقالات علمی محققان و اندیشمندان جهان اسلام، تلاش نموده است تا نقش مبانی نظام اقتصادی اسلام در تحقق مؤلفه‌های توسعه اقتصادی را تبیین و تحلیل نماید.

مبانی نظام اقتصادی اسلام و نقش آن‌ها در تحقق مؤلفه‌های توسعه اقتصادی

مبانی نظام اقتصادی اسلام، زیربنای نظری و اعتقادی این نظام را تشکیل می‌دهند و چارچوبی برای تحلیل و تبیین اهداف، اصول و عملکردهای اقتصادی فراهم می‌آورند. این مبانی بر آموزه‌های قرآن کریم و سنت نبوی استوار بوده و نقش قابل توجهی در شکل‌دهی به رفتارها، سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی جامعه دارند. از این رو، شناخت و تبیین این مبانی، تنها برای درک ویژگی‌ها و خصوصیات نظام اقتصادی اسلام اهمیت ندارد، بلکه زمینه بررسی نقش آن‌ها را در تحقق مؤلفه‌های توسعه اقتصادی نیز فراهم می‌سازد. در این تحقیق، مهم‌ترین مبانی نظام اقتصادی اسلام، شامل عقیده و توحید، ثواب و عقاب، حلال و حرام، استخلاف انسان و پرهیز از ضرر رساندن به دیگران، بررسی و تبیین می‌شوند تا نقش آن‌ها در تحقق رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و توسعه پایدار روشن گردد.

اقتصاد اسلامی بر پایه اصول و قواعد اسلامی استوار است؛ اصولی که آن را از نظر ماهیت، ابزارها و اهداف، از دیگر نظام‌های اقتصادی متمایز می‌سازد. بسیاری از ارزش‌ها و قواعد اساسی نظام اقتصادی اسلام از مبانی اعتقادی و اخلاقی آن منشأ می‌گیرند و بر اساس همین مبانی، فعالیت‌های اقتصادی از هدف صرفاً مادی فراتر رفته و با مسئولیت‌پذیری، عدالت، رعایت حقوق دیگران و تأمین منافع عمومی پیوند می‌یابد. بنابراین، بررسی مبانی نظام اقتصادی اسلام می‌تواند چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها را بر مؤلفه‌های مختلف توسعه اقتصادی آشکار سازد.

عقیده و توحید

نظام اقتصادی اسلام بر پایه مجموعه‌ای از مبانی اعتقادی شکل گرفته است که آن را از سایر نظام‌های اقتصادی متمایز می‌سازد. این مبانی ریشه در جهان‌بینی توحیدی اسلام دارند و اصول، ساختارها و سیاست‌های اقتصادی در پرتو آن‌ها معنا و جهت می‌یابند (شوقی دنیا، ۱۴۰۴هـ.ق: ۴۸-۴۹). بدون درک صحیح این اصول و ارزش‌ها، بحث درباره اقتصاد اسلامی به صورت کامل و دقیق امکان‌پذیر نیست؛ زیرا هر نظام اقتصادی دارای عقیده یا ایدئولوژی محوری است که ارکان آن را شکل داده و اهداف آن را مشخص

می‌کند (منذر قحف، ۱۳۹۹ ه.ق: ۱۵). به همین ترتیب، نظام اقتصادی اسلام، نظامی مبتنی بر عقیده است که ایمان به خدا و تقوای الهی را در رفتار اقتصادی انسان مؤثر دانسته و آن را عاملی برای تقویت تلاش، تولید، سودآوری مشروع و تحقق برکت می‌داند؛ در حالی که این نگاه صرفاً در چارچوب محاسبات مادی اقتصاد متعارف قابل تبیین نیست (شوقی، ۱۴۰۴: ۴۸).

هر نظام اقتصادی دارای عقیده‌ای است که بر آن استوار می‌شود؛ عقیده‌ای که پایه‌های آن نظام را شکل داده و اهداف آن را تعیین می‌کند (منذر قحف، ۱۳۹۹: ۱۵). نظام اقتصادی اسلام نیز بر عقیده اسلامی استوار است که اساسی‌ترین رکن جهان‌بینی آن، اصل توحید است؛ یعنی یگانگی خداوند در ربوبیت، مالکیت و عبادت. این اصل تنها به حوزه عبادات فردی محدود نمی‌شود، بلکه در تمامی ابعاد زندگی، از جمله فعالیت‌های اقتصادی، جاری است. از این رو، نظام اقتصادی اسلام از عقیده‌ای سرچشمه می‌گیرد که ایمان به خدا و پرهیزگاری را در رفتار اقتصادی انسان مؤثر دانسته و فعالیت اقتصادی را در چارچوب مسئولیت در برابر خداوند و رعایت حقوق بندگان هدایت می‌کند (همشهری، ۱۴۰۵: ۱۲).

بر این اساس، اقتصاد اسلامی نمی‌تواند بر مبانی و رهنمودهایی استوار باشد که با عقیده اسلامی ناسازگار باشد. اقتصاد اسلامی با عقیده اسلامی رابطه‌ای مبتنی بر پیروی و هماهنگی دارد و فعالیت‌ها و نتایج اقتصادی آن باید با رهنمودهای این عقیده سازگار باشد (بابلی، ۱۹۸۰: ۱۱۳). از همین رو، فعالیت اقتصادی در اسلام صرفاً وسیله‌ای برای کسب منفعت مادی نیست، بلکه می‌تواند در صورت برخورداری از نیت درست و رعایت موازین شرعی، به عبادت تبدیل شود. هر عمل مسلمان، اعم از اقتصادی و غیر اقتصادی، در صورتی که با هدف رضایت خداوند و جلب خشنودی او انجام شود، می‌تواند موجب پاداش گردد (نجار، ۱۴۰۳: ۱۴).

فعالیت اقتصادی در اسلام، افزون بر تأمین نیازهای مادی، وسیله‌ای برای آبادانی زمین و فراهم‌سازی زمینه زندگی شایسته انسانی است. نخستین عاملی که رفتار اقتصادی مسلمان را از رفتار اقتصادی مبتنی بر صرفاً منافع مادی متمایز می‌سازد، عقیده توحیدی

اوست؛ توحیدی پاک، خالص و جامع (شوقی دنیا، ۱۴۰۴: ۴۹). بر این اساس، فرد مسلمان در فعالیت‌های اقتصادی خود، مالکیت و نعمت‌های مادی را مستقل و مطلق نمی‌داند، بلکه آن‌ها را در چارچوب مالکیت و حاکمیت الهی و همراه با مسئولیت در برابر خداوند مورد استفاده قرار می‌دهد.

از این منظر، عقیده و توحید می‌تواند از طریق تقویت امانت‌داری، مسئولیت‌پذیری، تقوای اقتصادی و تلاش مشروع، زمینه افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی را فراهم سازد. همچنین، اعتقاد به مالکیت حقیقی خداوند و مسئولیت انسان در برابر نحوه استفاده از منابع، می‌تواند رفتارهای اقتصادی زیان‌بار، اسراف و بهره‌برداری نادرست از منابع را کاهش دهد. این مبنا با تقویت احساس مسئولیت در برابر دیگران و جامعه، زمینه رعایت عدالت اجتماعی و جلوگیری از انحصار و بهره‌کشی اقتصادی را فراهم می‌کند. افزون بر آن، توجه به مسئولیت اجتماعی و استفاده درست از نعمت‌های الهی می‌تواند به حمایت از نیازمندان، کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد کمک نماید. از سوی دیگر، نگاه توحیدی به انسان و جهان، بهره‌برداری مسئولانه از منابع و آبادانی زمین را مورد تأکید قرار می‌دهد و از این طریق، با تحقق توسعه پایدار ارتباط پیدا می‌کند.

بنابراین، عقیده و توحید به‌عنوان یکی از مبانی اساسی نظام اقتصادی اسلام، تنها یک مبنای اعتقادی محض نیست، بلکه با هدایت رفتار اقتصادی افراد و نهادها، ایجاد مسئولیت‌پذیری، تقویت تلاش و تولید مشروع، رعایت حقوق دیگران و توجه به منافع عمومی، می‌تواند در تحقق مؤلفه‌های مختلف توسعه اقتصادی، از جمله رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و توسعه پایدار، نقش اساسی ایفا نماید.

ثواب و عقاب

اصل ثواب و عقاب یکی از مبانی مهم نظام اقتصادی اسلام است که رفتارهای اقتصادی انسان را با انگیزه‌های معنوی و اخروی پیوند می‌دهد. این اصل که ریشه در تعالیم قرآن کریم و احادیث نبوی دارد، انسان را به انجام اعمال صالح در فعالیت‌های اقتصادی و پرهیز از رفتارهای زیان‌بار و نادرست ترغیب می‌کند. تأکید بر پاداش اخروی و بازخواست الهی،

اقتصاد اسلامی را به نظامی اخلاق محور تبدیل می نماید که هدف آن تنها کسب منفعت مادی نیست، بلکه تأمین خیر و سعادت انسان در دنیا و آخرت است.

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلٰى عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (التوبة: ۱۰۵). ترجمه: «و بگو ای محمد: عمل کرده باشید پس زود می بیند الله عمل شما را و رسول او و مؤمنان و بزودی بازگردانیده می شوید بسوی دانای پوشیده و آشکار پس خبر می دهد شما را به آنچه می کردید (عثمانی، ۱۳۸۵ هـ: ۱۱/۳).

این آیه مبارکه بر نظارت الهی بر اعمال انسان و مسئولیت او در برابر رفتارهایش تأکید دارد. انسان مؤمن با آگاهی از اینکه اعمال او در محضر خداوند متعال مورد ارزیابی قرار می گیرد، در فعالیت های اقتصادی خود به رعایت اصول اخلاقی و شرعی، مانند صداقت، امانت داری، عدالت و پرهیز از فریب و ظلم، توجه بیشتری می کند. از این منظر، فعالیت اقتصادی در نظام اسلامی از نظارت اخلاقی و معنوی جدا نیست و رفتار اقتصادی انسان در برابر خداوند متعال مسئولیت آور است.

همچنین، قرآن کریم بر این حقیقت تأکید می کند که هر عمل انسان، هرچند کوچک باشد، نتیجه و پیامد خود را خواهد داشت:

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (الزلزلة: ۸-۷). ترجمه: «پس کسی که کرده باشد به قدر يك ذره نیکی، ببیند آن را. و کسی که کرده باشد به قدر يك ذره بدی، ببیند آن را» (عثمانی، ۱۳۸۵: ۷/۱۶).

«این آموزه قرآنی، انگیزه نیرومندی برای رعایت اصول اخلاقی در فعالیت های اقتصادی فراهم می کند؛ زیرا فرد مؤمن باور دارد که هیچ رفتار اقتصادی، اعم از تولید، تجارت، مصرف و سرمایه گذاری، از نظارت الهی خارج نیست و آثار آن در دنیا و آخرت مورد محاسبه قرار خواهد گرفت. بنابراین، اصل ثواب و عقاب می تواند افراد را به فعالیت های اقتصادی مشروع و سودمند تشویق کرده و از رفتارهایی مانند فریب، خیانت، احتکار، استثمار و وارد کردن زیان به دیگران بازدارد.

هدف نهایی مسلمان در فعالیت‌های اقتصادی، کسب بیشترین پاداش اخروی از طریق پیروی از منهج الهی و شریعت است. این هدف با بهره‌مندی از نعمت‌های دنیا منافاتی ندارد، بلکه اسلام میان تلاش برای آبادانی دنیا و کسب سعادت آخرت توازن برقرار می‌کند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ (القصص: ۷۷). ترجمه: «چنانکه نیکوئی کرده الله به تو، و مجوی فساد را در زمین، (هرآئینه) الله دوست نمی‌دارد فسادکنندگان را (عثمانی، ۱۳۸۵: ۶۰۲/۴). این آیه مبارکه نشان می‌دهد که اسلام میان اهداف دنیوی و اخروی تعارضی ایجاد نمی‌کند، بلکه انسان را به بهره‌گیری مشروع از امکانات دنیا، نیکی به دیگران و پرهیز از فساد فرا می‌خواند. بر همین اساس، هدف فعالیت اقتصادی در نظام اسلامی، تنها افزایش سود یا کسب لذت مادی نیست؛ بلکه بهره‌مندی از دنیا باید در چارچوب شریعت و در راستای تحقق سعادت انسان و جامعه صورت گیرد (شوقی، ص. ۵۷). همچنین خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَنَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (النحل: ۹۷). ترجمه: «هرکه کرد کار نیک، مرد باشد یا زن؛ و او مسلمان باشد؛ پس (هرآئینه) زندگی‌اش می‌دهیم، زندگانی پاک؛ متأسفیم شما در روز فقط ۵ بار اجازه کپی متن را دارید» (عثمانی، ۱۳۸۵: ۵۰۲/۳).

این آیه مبارکه پیوند میان ایمان، عمل صالح، زندگی پاکیزه و پاداش الهی را بیان می‌کند. بر اساس این آموزه، فعالیت اقتصادی مشروع و همراه با نیت صالح، علاوه بر تأمین نیازهای مادی، می‌تواند وسیله‌ای برای کسب رضایت الهی و دستیابی به پاداش اخروی باشد. خداوند متعال همچنین می‌فرماید: ﴿وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُؤْتِيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (الأحقاف: ۱۹). ترجمه: «و هر فرقه را ازین دو فریق درجات است به حسب آنچه عمل کنند؛ تا پوره دهد ایشان را (جزای) اعمالشان، در حالیکه ایشان ستم کرده نشوند» (عثمانی، ۱۳۸۵: ۱۶/۶).

این آیه بر عدالت الهی در پاداش و جزا تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که اعمال انسان دارای پیامد و ارزش واقعی است. ازاین‌رو، اصل ثواب و عقاب، رفتار اقتصادی مسلمان

را به گونه‌ای هدایت می‌کند که میان منفعت مادی، مسئولیت اخلاقی و هدف اخروی توازن برقرار شود. به تعبیر شوقی، انسان مسلمان در فعالیت‌های اقتصادی و غیراقتصادی خود باید در پی کسب بیشترین ثواب اخروی از طریق پیروی از منهج الهی و شریعت او باشد (شوقی، ۱۴۰۴: ۵۶).

از این منظر، تفاوت اساسی میان نظام اقتصادی اسلام و نظام‌های صرفاً مادی‌گرا در اهداف و انگیزه‌های فعالیت اقتصادی آشکار می‌شود. در نظام اقتصادی اسلام، سود و منفعت مادی هدف نهایی نیست، بلکه در چارچوب ارزش‌های دینی و اخلاقی قرار دارد. در مقابل، در دیدگاه‌های مادی‌گرایانه، هدف اقتصادی غالباً بر افزایش سود، مصرف و لذت دنیوی متمرکز می‌شود. قرآن کریم در بیان دیدگاه کسانی که زندگی را به دنیا محدود می‌دانند، می‌فرماید: ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾ (الجماعه: ۲۴). ترجمه: «و گفتند نیست زندگانی مگر همین زندگانی دنیوی ما می‌میریم و زندگی میکنیم و هلاک نمی‌کند ما را مگر زمانه و نیست ایشانرا باین (گفته) هیچ علم نیستند ایشان مگر تخمین می‌کنند.» (عثمانی: ۵/ ۶۴۴). بنابراین، اصل ثواب و عقاب، با ایجاد انگیزه درونی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی مشروع و پرهیز از رفتارهای زیان‌بار، نقش مهمی در تحقق مؤلفه‌های توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. این اصل از طریق تشویق به تلاش، تولید، کار و فعالیت اقتصادی مشروع، می‌تواند به رشد اقتصادی کمک نماید. همچنین با تقویت صداقت، امانت‌داری، عدالت و رعایت حقوق دیگران، زمینه تحقق عدالت اجتماعی را فراهم می‌سازد. تشویق افراد به کمک به نیازمندان و انجام اعمال خیر، می‌تواند در کاهش فقر مؤثر باشد و با جلوگیری از ظلم، خیانت، استثمار و تصرف ناحق در اموال دیگران، به بهبود توزیع درآمد کمک کند. افزون بر این، پرهیز از فساد و رفتارهای زیان‌بار و تشویق به استفاده مسئولانه از منابع، زمینه تحقق توسعه پایدار را فراهم می‌سازد.

در نتیجه، اصل ثواب و عقاب، فعالیت اقتصادی را از یک رفتار صرفاً مادی به فعالیتی مسئولانه و ارزش‌محور تبدیل می‌کند. این اصل با پیوند دادن رفتار اقتصادی انسان به مسئولیت اخروی، انگیزه‌های درونی لازم را برای رعایت اخلاق، قانون و حقوق دیگران

فراهم کرده و از این طریق می‌تواند در تحقق رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و توسعه پایدار نقش مؤثر داشته باشد.

حلال و حرام

اصل حلال و حرام یکی از مبانی اساسی نظام اقتصادی اسلام است که چارچوب شرعی و اخلاقی فعالیت‌های اقتصادی را تعیین می‌کند. این اصل که ریشه در تعالیم قرآن کریم و سنت نبوی دارد، مسلمانان را به انجام معاملات و فعالیت‌های حلال و پاکیزه فراخوانده و از هرگونه فعالیت ناپاک، زیان‌بار و حرام بازمی‌دارد. بر اساس این مبنا، هر فعالیت اقتصادی باید در چارچوب احکام شرعی و ارزش‌های اخلاقی انجام شود و دستیابی به سود، مجوز ارتکاب اعمالی نیست که با شریعت اسلامی و حقوق افراد و جامعه در تعارض باشد. ازاین‌رو، اصل حلال و حرام، نظام اقتصادی اسلام را به نظامی مبتنی بر پاکی، عدالت، سلامت اقتصادی و خیر عمومی تبدیل می‌کند.

خداوند متعال یکی از اهداف مهم رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) را حلال نمودن امور پاکیزه و حرام کردن امور ناپاک دانسته و می‌فرماید: ﴿وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ﴾ (الأعراف: ۱۵۷). ترجمه: «و حلال می‌سازد برای ایشان پاکیزه‌ها را، و حرام می‌کند بر ایشان ناپاکیزه‌ها را»؛ (عثمانی، ۱۳۸۵: ۴۲۷/۲).

این آیه مبارکه که در بیان ویژگی‌های رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) آمده است، نشان می‌دهد که حلال و حرام از اصول اساسی زندگی انسان مسلمان به شمار می‌رود و فعالیت‌های اقتصادی نیز از این اصل مستثنا نیست. بر اساس این مبنا، فعالیت‌های اقتصادی باید بر پایه امور پاکیزه و مشروع، مانند تجارت حلال، قراردادهای عادلانه و کسب درآمد از راه مشروع، انجام شود و فعالیت‌هایی مانند ربا، کم‌فروشی، فریب، احتکار، غصب و سایر شیوه‌های نادرست اقتصادی ممنوع است.

اصل حلال و حرام، علاوه بر تعیین حدود شرعی فعالیت‌های اقتصادی، نقش مهمی در حفظ سلامت بازار و حمایت از حقوق افراد دارد. هنگامی که افراد و نهادهای اقتصادی به رعایت این اصل پایبند باشند، زمینه برای کاهش فریب، فساد، معاملات ناعادلانه و بهره‌کشی اقتصادی فراهم می‌شود. در نتیجه، فعالیت‌های اقتصادی از مسیرهایی که موجب زیان فردی و اجتماعی می‌شوند، دور شده و در جهت تأمین منافع مشروع افراد و جامعه

قرار می‌گیرند. از این منظر، حلال و حرام تنها مجموعه‌ای از محدودیت‌های شرعی نیست، بلکه چارچوبی برای تنظیم فعالیت اقتصادی و تأمین سلامت مادی و معنوی جامعه به شمار می‌رود.

این اصل همچنین میان هدف اقتصادی و شیوه دستیابی به آن ارتباط برقرار می‌کند. در نظام اقتصادی اسلام، صرف دستیابی به سود، معیار مشروعیت فعالیت اقتصادی نیست؛ بلکه منبع درآمد و شیوه کسب سود نیز اهمیت اساسی دارد. به همین دلیل، درآمدی که از راه ظلم، فریب، ربا، غصب یا فعالیت‌های زیان‌بار به دست آید، هرچند از نظر مادی سودآور باشد، از نظر شرعی مشروع نیست. در مقابل، فعالیت اقتصادی مشروع، علاوه بر تأمین نیازهای مادی، می‌تواند زمینه کسب رضایت الهی و تأمین خیر عمومی را فراهم سازد.

از این منظر، اصل حلال و حرام می‌تواند از طریق هدایت فعالیت‌های اقتصادی به سوی تولید و تجارت مشروع، ایجاد اعتماد در معاملات و جلوگیری از فعالیت‌های اقتصادی زیان‌بار، به رشد اقتصادی کمک نماید. همچنین، ممنوعیت ربا، فریب، کم‌فروشی، غصب و استثمار، زمینه تحقق عدالت اجتماعی را فراهم می‌سازد. جلوگیری از فعالیت‌هایی که موجب تمرکز ناعادلانه ثروت و محرومیت گروه‌های ضعیف جامعه می‌شود، می‌تواند در کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد نیز نقش داشته باشد. افزون بر این، توجه به پاکی فعالیت‌های اقتصادی، جلوگیری از فساد و رعایت حقوق افراد و جامعه، زمینه استفاده مسئولانه از منابع و تحقق توسعه پایدار را فراهم می‌کند.

بنابراین، اصل حلال و حرام به‌عنوان یکی از مبانی اساسی نظام اقتصادی اسلام، با تعیین چارچوب شرعی و اخلاقی فعالیت‌های اقتصادی، از یک‌سو زمینه انجام فعالیت‌های مشروع، سالم و مولد را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، از فعالیت‌های زیان‌بار و فسادآور جلوگیری می‌کند. از این رو، این اصل می‌تواند در تحقق رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و توسعه پایدار نقش مهمی ایفا نماید.

استخلاف

در نظام اقتصادی اسلام، اصل استخلاف بر این مبنا استوار است که انسان به‌عنوان جانشین خداوند متعال در زمین، مسئولیت آبادانی آن و بهره‌برداری درست از منابع و

امکانات را بر عهده دارد. بر اساس این اصل، انسان مالک مطلق و مستقل منابع جهان نیست، بلکه در استفاده از نعمت‌ها و امکانات الهی، امانت‌دار و مسئول است. از این رو، بهره‌برداری از منابع طبیعی و انسانی باید در چارچوب شریعت، اخلاق و رعایت حقوق دیگران صورت گیرد و هدف آن تنها تأمین منافع فردی نباشد، بلکه رفاه عمومی، عدالت اجتماعی و آبادانی زمین را نیز دربرگیرد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (البقرة: ۳۰). ترجمه: «و هنگامی که گفت پروردگار تو به فرشتگان که من آفریننده‌ام در زمین خلیفه‌ای را؛» (عثمانی، ۱۳۸۵: ۲۷/۱). همچنین می‌فرماید: ﴿وَأَنفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُم مُّسْتَخْلَفِينَ فِيهِ﴾ (الحديد: ۷). ترجمه: «و خرج کنید از آنچه که بدست شما داده است نائب خود ساخته در آن (از جمله آن مالی که ساخته است شما را جانشین دیگران)» (عثمانی، ۱۳۸۵: ۲۵۰/۶).

این آیات مبارکه بیانگر آن است که انسان در برابر امکانات و منابعی که در اختیار او قرار گرفته است، مسئولیت دارد. از این رو، مالکیت و بهره‌برداری اقتصادی در نظام اسلامی با مسئولیت اجتماعی همراه است و انسان نمی‌تواند منابع و امکانات را بدون توجه به مصالح عمومی و حقوق دیگران مورد استفاده قرار دهد.

بر اساس اصل استخلاف، خداوند متعال بسیاری از منابع و امکانات موجود در جهان را در اختیار انسان قرار داده است تا از آن‌ها برای تأمین نیازهای خود و جامعه و آبادانی زمین استفاده کند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾ (الملك: ۱۵). ترجمه: «اوست آن ذاتیکه گردانید برای شما زمین را پست (منقاد) پس بروید در نواحی آن و بخورید از رزق (آفریننده) او و بسوی اوست دوباره زنده شدن» (عثمانی، ۱۳۸۵: ۴۱۴/۶). همچنین می‌فرماید: ﴿وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ (النحل: ۵). ترجمه: «و چارپایان را آفریده برای شما در ایشان پوششی است (گرم کننده) و منفعتهای دیگر است و بعض آنها را می‌خورید» (عثمانی، ۱۳۸۵: ۴۳۱/۳).

این آیات نشان می‌دهد که بهره‌گیری از منابع طبیعی و امکانات موجود در جهان، بخشی از مسئولیت انسان در مقام استخلاف است. بر همین اساس، انسان حق دارد از منابع طبیعی

و مواهب الهی برای تولید، سرمایه‌گذاری، تأمین نیازهای زندگی و توسعه اقتصادی استفاده کند؛ اما این بهره‌برداری باید در چارچوب شریعت، اخلاق اسلامی و رعایت حقوق دیگران صورت گیرد.

در پرتو همین اصل، بهره‌برداری از منابع با مسئولیت و محدودیت همراه است. انسان اگرچه از نعمت‌های الهی بهره‌مند می‌شود، نباید در مصرف و استفاده از آن‌ها به اسراف و تبذیر روی آورد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (الأعراف: ۳۱). ترجمه: «بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید (هر آئینه) خدا دوست نمیدارد اسراف‌کنندگان را.» (عثمانی، ۱۳۸۵: ۳۳۲/۲).

این آیه مبارکه نشان می‌دهد که بهره‌مندی از نعمت‌های الهی باید با میانه‌روی، مسئولیت‌پذیری و رعایت مصالح عمومی همراه باشد. بر این اساس، اصل استخلاف، بهره‌برداری اقتصادی از منابع را تأیید می‌کند، اما آن را از مصرف بی‌رویه، تخریب منابع و استفاده زیان‌بار محدود می‌سازد. چنین رویکردی، میان بهره‌برداری اقتصادی و حفظ منابع برای نسل‌های آینده توازن برقرار می‌کند.

از این منظر، اصل استخلاف نقش مهمی در تحقق مؤلفه‌های توسعه اقتصادی دارد. این اصل با تشویق انسان به آبادانی زمین، کار، تولید، سرمایه‌گذاری و استفاده درست از منابع، می‌تواند زمینه رشد اقتصادی را فراهم سازد. همچنین، تأکید بر مسئولیت انسان در برابر جامعه و منابع عمومی، از انحصارطلبی، استفاده نادرست از امکانات و تضییع حقوق دیگران جلوگیری کرده و به تحقق عدالت اجتماعی کمک می‌کند. بهره‌برداری درست از منابع و توجه به نیازهای عمومی نیز می‌تواند زمینه ایجاد فرصت‌های اقتصادی، تأمین نیازهای اساسی و کاهش فقر را فراهم سازد.

از سوی دیگر، اصل استخلاف با تأکید بر مسئولیت اجتماعی مالکیت و استفاده از منابع، می‌تواند در بهبود توزیع درآمد نقش داشته باشد؛ زیرا ثروت و امکانات در نظام اسلامی صرفاً ابزار تأمین منافع فردی نیست، بلکه صاحبان آن در برابر جامعه مسئولیت دارند. افزون بر این، تأکید بر آبادانی زمین، پرهیز از اسراف و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی، ارتباط مستقیم این اصل را با توسعه پایدار نشان می‌دهد. انسان به‌عنوان خلیفه

خداوند در زمین، موظف است منابع را به گونه‌ای مورد استفاده قرار دهد که ضمن تأمین نیازهای امروز، امکان بهره‌مندی نسل‌های آینده نیز از این منابع حفظ شود. بنابراین، اصل استخلاف در نظام اقتصادی اسلام، انسان را از یک مصرف‌کننده صرف به موجودی مسئول، تولیدکننده و آبادکننده زمین تبدیل می‌کند. این اصل با ایجاد مسئولیت در برابر خداوند، جامعه و منابع طبیعی، زمینه بهره‌برداری درست از امکانات، افزایش تولید، تأمین رفاه عمومی و حفظ منابع را فراهم می‌سازد و از این طریق می‌تواند در تحقق رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و توسعه پایدار نقش اساسی ایفا نماید.

۵. پرهیز از ضرر رساندن به دیگران

پرهیز از ضرر رساندن به دیگران، یکی از مبانی مهم نظام اقتصادی اسلام است که بر ضرورت جلوگیری از هرگونه فعالیت و رفتاری تأکید دارد که موجب آسیب مادی، معنوی یا اجتماعی به افراد و جامعه شود. این اصل که ریشه در آموزه‌های قرآن کریم و احادیث نبوی دارد، فعالیت‌های اقتصادی را به رعایت عدالت، انصاف و حقوق دیگران ملزم می‌سازد. بر اساس این مبنا، کسب سود و تأمین منفعت شخصی نباید از راهی صورت گیرد که به زیان دیگران یا جامعه تمام شود؛ زیرا آزادی اقتصادی در نظام اسلام با مسئولیت اجتماعی و رعایت حقوق دیگران همراه است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ (البقرة: ۱۹۰) ترجمه: «و از حد مگذرید هر آئینه خدا دوست ندارد از حد گذرندگان را» (عثمانی، ۱۳۸۵: ۱۶۱/۱).

این آیه مبارکه، اگرچه در سیاق احکام مربوط به تجاوز و تعدی بیان شده است، به صورت کلی بر ممنوعیت تجاوز و تعدی به حقوق دیگران دلالت دارد. بر همین اساس، هرگونه فعالیت اقتصادی که موجب ظلم، زیان‌رسانی، تضییع حقوق افراد یا آسیب به منافع عمومی شود، با اصول نظام اقتصادی اسلام سازگار نیست. بنابراین، این اصل در حوزه اقتصاد نیز افراد و نهادها را به رعایت عدالت و خودداری از رفتارهای زیان‌بار ملزم می‌سازد. این اصل در کنار قاعده مشهور «لا ضرر و لا ضرار» (جایگاه مهمی در تنظیم روابط اقتصادی دارد. حاکم نیشابوری این حدیث را چنین نقل کرده است: «لا ضرر و لا ضرار»

(حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۶۶/۲). ترجمه: «نه ضرر رساندن جایز است و نه ضرر رساندن متقابل.»

این قاعده نشان‌دهنده اهتمام اسلام به حفظ حقوق افراد و جلوگیری از هرگونه زیان در روابط اجتماعی و اقتصادی است. بر اساس آن، هیچ فردی نمی‌تواند برای دستیابی به منفعت شخصی، به دیگران آسیب برساند یا حقوق آنان را نادیده بگیرد. از این رو، فعالیت‌های اقتصادی باید به گونه‌ای انجام شوند که ضمن تأمین منافع مشروع فرد، موجب آسیب به دیگران و جامعه نشوند.

تعالیم پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) نیز بر پرهیز از هرگونه ضرر و زیان به دیگران در تمامی عرصه‌های زندگی، به خصوص در معاملات و فعالیت‌های اقتصادی، تأکید دارد. بر اساس این رهنمود، هر نوع رفتار یا معامله‌ای که موجب زیان ناروا به دیگران شود، با اصول اقتصادی اسلام سازگار نیست. از این رو، فعالیت‌هایی مانند احتکار، تقلب، فریب، کم‌فروشی، غصب و استثمار اقتصادی، به دلیل وارد کردن ضرر به افراد و جامعه، ممنوع دانسته می‌شوند.

همان‌گونه که حسن شاذلی بیان کرده است، اسلام در احکام اقتصادی و معاملات مالی شروط اخلاقی متعددی را مورد توجه قرار داده است؛ از جمله اینکه فعالیت اقتصادی در ذات خود مشروع باشد و به دیگران ضرر نرساند (شاذلی، ۱۳۹۹: ۲۷). بر این اساس، اخلاق از معاملات اقتصادی و روابط مالی در اسلام جدا نیست و مشروعیت فعالیت اقتصادی تنها به کسب منفعت محدود نمی‌شود، بلکه شیوه کسب منفعت و پیامد آن برای دیگران نیز اهمیت دارد.

این اصل، اقتصاد اسلامی را به نظامی تبدیل می‌کند که در کنار توجه به منافع اقتصادی، حفظ حقوق دیگران، تقویت اعتماد اجتماعی و تحقق عدالت را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. هنگامی که افراد و نهادهای اقتصادی از رفتارهای زیان‌بار پرهیز کنند، زمینه برای ایجاد اعتماد در معاملات، کاهش اختلافات و تقویت همکاری اقتصادی فراهم می‌شود. در نتیجه، اقتصاد از یک عرصه صرفاً رقابتی و منفعت‌محور به عرصه‌ای تبدیل می‌شود که در آن منافع فردی با مصالح عمومی هماهنگ می‌گردد.

از این منظر، اصل پرهیز از ضرر رساندن به دیگران می‌تواند در تحقق مؤلفه‌های مختلف توسعه اقتصادی نقش مهمی داشته باشد. جلوگیری از تقلب، فریب، احتکار و استثمار، زمینه رشد اقتصادی سالم و پایدار را فراهم می‌سازد؛ زیرا فعالیت‌های اقتصادی در محیطی مبتنی بر اعتماد و امنیت انجام می‌شوند. همچنین، رعایت حقوق دیگران و جلوگیری از بهره‌کشی و ظلم اقتصادی، به تحقق عدالت اجتماعی کمک می‌کند. جلوگیری از فعالیت‌هایی که موجب محرومیت و آسیب اقتصادی گروه‌های ضعیف می‌شوند، می‌تواند در کاهش فقر مؤثر باشد و مبارزه با انحصار، احتکار و استثمار نیز زمینه بهبود توزیع درآمد را فراهم می‌سازد.

افزون بر این، پرهیز از آسیب‌رسانی به منابع طبیعی، محیط زیست و نسل‌های آینده، ارتباط این اصل را با توسعه پایدار آشکار می‌سازد. بر اساس این رویکرد، انسان نمی‌تواند برای دستیابی به منفعت اقتصادی کوتاه‌مدت، منابع عمومی را تخریب کند یا زیان آن را به جامعه و نسل‌های آینده انتقال دهد. بنابراین، مسئولیت‌پذیری اقتصادی و اجتماعی، یکی از نتایج مهم این مبنا به شمار می‌رود.

در نتیجه، اصل پرهیز از ضرر رساندن به دیگران، پیوند ناگسستنی میان اخلاق و اقتصاد را در نظام اقتصادی اسلام نشان می‌دهد. این اصل با منع فعالیت‌های زیان‌بار و تأکید بر رعایت حقوق افراد و مصالح عمومی، زمینه ایجاد اعتماد، عدالت و همکاری اقتصادی را فراهم می‌سازد و از این طریق می‌تواند در تحقق رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و توسعه پایدار نقش مؤثر ایفا نماید.

نتیجه‌گیری

توسعه اقتصادی در اندیشه اسلامی، فرآیندی چندبعدی و ارزش‌محور است که نمی‌توان آن را صرفاً به افزایش تولید، درآمد و شاخص‌های مادی محدود کرد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تحقق توسعه اقتصادی پایدار و متوازن، علاوه بر برخورداری از منابع و سازوکارهای اقتصادی، به مبانی اعتقادی، اخلاقی و ارزشی نیازمند است. نظام اقتصادی اسلام با اتکا بر مبانی‌ای همچون عقیده و توحید، ثواب و عقاب، حلال و حرام، استخلاف

و پرهیز از ضرر رساندن به دیگران، چارچوبی منسجم برای هدایت رفتارهای اقتصادی افراد و نهادها فراهم می‌سازد و میان رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و مسئولیت اخلاقی پیوند برقرار می‌کند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عقیده و توحید با تقویت ایمان، تقوا، امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری، رفتار اقتصادی انسان را از منفعت‌طلبی صرف فراتر برده و زمینه تلاش مشروع، افزایش بهره‌وری، رعایت حقوق دیگران و استفاده مسئولانه از منابع را فراهم می‌سازد. از این طریق، این مبنا می‌تواند در تحقق رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، کاهش فقر، بهبود توزیع درآمد و توسعه پایدار نقش مؤثر داشته باشد. همچنین، اصل ثواب و عقاب با ایجاد انگیزه‌های درونی و پیوند دادن رفتار اقتصادی با مسئولیت اخروی، افراد را به کار، تولید، فعالیت مشروع و رعایت ارزش‌های اخلاقی ترغیب و از رفتارهایی مانند فریب، خیانت، ظلم و استثمار باز می‌دارد. بنابراین، این اصل در شکل‌گیری اعتماد اقتصادی و تقویت بنیان‌های اخلاقی توسعه نقش اساسی دارد.

اصل حلال و حرام نیز با تعیین چارچوب شرعی و اخلاقی فعالیت‌های اقتصادی، مسیر کسب درآمد و تولید ثروت را از فعالیت‌های زیان‌بار و فسادآور جدا می‌سازد. ممنوعیت فعالیت‌هایی همچون ربا، فریب، غصب، کم‌فروشی و احتکار، از حقوق افراد و سلامت بازار حمایت کرده و زمینه تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌کند. بر این اساس، مشروعیت اقتصادی در نظام اسلام تنها به نتیجه فعالیت اقتصادی وابسته نیست، بلکه شیوه کسب درآمد و آثار آن بر فرد، جامعه و منافع عمومی نیز اهمیت اساسی دارد.

از سوی دیگر، اصل استخلاف، انسان را مالک مطلق و بی‌مسئولیت منابع نمی‌داند، بلکه او را امانت‌دار و مسئول آبادانی زمین معرفی می‌کند. این مبنا با تشویق به کار، تولید، سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری صحیح از منابع، از یک‌سو زمینه رشد اقتصادی را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، با تأکید بر جلوگیری از اسراف، تخریب منابع و تضییع حقوق نسل‌های آینده، با اهداف توسعه پایدار هماهنگ است. همچنین، مسئولیت اجتماعی

ناشی از اصل استخلاف می‌تواند به تقویت رفاه عمومی، کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد کمک نماید.

همچنین، اصل پرهیز از ضرر رساندن به دیگران، مرزهای اخلاقی و اجتماعی آزادی اقتصادی را مشخص می‌سازد و از تبدیل فعالیت اقتصادی به ابزاری برای ظلم، استثمار، انحصار، احتکار و تضییع حقوق دیگران جلوگیری می‌کند. رعایت این اصل، اعتماد اجتماعی و امنیت اقتصادی را تقویت کرده و با جلوگیری از فعالیت‌های زیان‌بار، زمینه رشد اقتصادی سالم، عدالت اجتماعی، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و حفاظت از منابع طبیعی را فراهم می‌سازد.

در مجموع، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مبانی نظام اقتصادی اسلام، به صورت جداگانه و در تعامل با یکدیگر، نقش بنیادینی در تحقق مؤلفه‌های توسعه اقتصادی دارند. این مبانی با ایجاد پیوند میان ایمان و رفتار اقتصادی، منفعت فردی و مصلحت عمومی، آزادی اقتصادی و مسئولیت اجتماعی، و رشد اقتصادی و حفظ منابع، الگویی متوازن برای توسعه ارائه می‌کنند. بنابراین، در نظام اقتصادی اسلام، توسعه واقعی زمانی تحقق می‌یابد که رشد اقتصادی با عدالت اجتماعی، کاهش فقر، توزیع عادلانه‌تر درآمد، مسئولیت‌پذیری اخلاقی، رفاه عمومی و حفاظت از منابع برای نسل‌های آینده همراه باشد.

بر اساس یافته‌های این تحقیق، نتایج نشان می‌دهد که ظرفیت‌های مبانی نظام اقتصادی اسلام در تحقق توسعه اقتصادی، زمانی به صورت مؤثر آشکار می‌شود که این مبانی از سطح مفاهیم نظری فراتر رفته و در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، پلان‌گذاری برای توسعه، تنظیم بازار، مدیریت منابع و فعالیت نهادهای اقتصادی جامعه به صورت عملی مورد استفاده قرار گیرند. از این رو، بهره‌گیری از مبانی اعتقادی و اخلاقی اسلام در کنار دانش اقتصادی و روش‌های علمی، می‌تواند زمینه شکل‌گیری الگویی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، عادلانه، متوازن و پایدار از توسعه اقتصادی را در جوامع اسلامی فراهم سازد.



منابع

- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴هق). معجم مقایس اللغة، چاپ اول، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامي.
- اصغری، محمود. (۱۳۷۹). آزادی در قلمرو اقتصادی تحلیلی مقایسه‌ای میان نظامیان اقتصادی اسلام و لیبرلیسم، نشریه پژوهشهای اجتماعی اسلامی، شماره ۲۱، فروردین و اردیبهشت، صص ۷۵-۱۰۱.
- امیر بادشاه، محمد امین. (بی تا). تیسیر التحرير، بیروت: دارالفکر.
- بابلی، محمود. (۱۹۸۰). الاقتصاد فی ضوء الشریعة الاسلامیة. بیروت: دارالکتب اللبنانی.
- تودارو، مایکل پی و اسمیت، استفان سی. (۱۳۹۸). توسعه اقتصادی (ترجمه غلام علی فرجادی). تهران: انتشارات سمت.
- جنیدل، حمد عبدالرحمن. (۱۴۰۶). مناهج الباحثین فی الاقتصاد الاسلامی، الرياض: شركة العییکان للطباعة و النشر.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله. (1411/1990). المستدرک علی الصحیحین، چاپ اول، تحقیق، مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- حسینی، عبدالمنان. (۱۴۰۱). آرمانشهر قرآن کریم با رویکرد انتقادی به الگوی لیبرالیسم، ایران جامعه المصطفی (رساله دکتورا).
- دسوقی، فاروق احمد. (بی تا). استخلاف الانسان فی الارض، اسکندریه: دارالدعوة للطبع و النشر و التوزیع.
- دعایی، حبیب الله؛ انصاری، محمد علی؛ مرتضوی، سعید. (۱۳۹۱). مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، چاپ هفتم، تهران: بیان هدایت نور، ۱۳۹۱ هـ.ش.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا و مرکز بین المللی زبان فارسی.
- سید قطب. (۱۴۰۳). خصائص التصور الاسلامی و مقوماته، چاپ هشتم، بیروت: دارالشروق.
- شاذلی، حسن. (۱۳۹۹). الاقتصاد الاسلامی، بی جا: دارالاتحاد العربی للطباعة.



- شوقی، احمد دنیا. (۱۴۰۴). **النظریه الاقتصادية من منظور اسلامي**، چاپ اول، الرياض: مكتبة الخريجي.
- عثمانی، شبیر احمد. (۱۳۸۵). **تفسير كابلې**، تهران: انتشارات احسان.
- عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰). **الفروق في اللغة**، چاپ اول، بیروت دارالآفاق.
- فکری احمد نعمان. (۱۴۰۵). **النظریه الاقتصادية في الاسلام**، چاپ اول، بیروت: دارالقلم دبی.
- قحف، منذر. (۱۳۹۹). **الاقتصاد الاسلامي**، الكويت: دارالقلم.
- قرافي، شهاب الدين ابوالعباس احمد بن ادريس. (۱۴۱۶هـ). **نفائس الاصول في شرح المحصول**. تحقيق عادل احمد و علي محمد معوض. چاپ اول، قاهره: مكتبة نزار مصطفى الباز.
- قرضاوی، یوسف. (۱۴۰۴). **الخصائص العامة للإسلام**، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مدنی، داود. (۱۳۷۳). **مقدمه‌ای بر تئوری‌های سازمان و مدیریت**، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه نور.
- مرزوقی، عمر بن فیحان. (۱۴۲۷). **النظام الاقتصادي في الاسلام**، چاپ دوم، ریاض: مكتبة الرشد.
- مرطان، سعید، سعد. (۱۴۲۵). **مدخل للفكر الاقتصادي في الإسلام**، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- معین، محمد. (۱۳۸۶هـ.ش). **فرهنگ فارسی معین**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ادنا.
- مؤدب، رضا. (۱۳۸۶هـ.ش). **مبانی تفسیر قرآن**، قم: دانشگاه قم.
- ناصری، شهناز. (۱۳۹۳). **بررسی تطبیقی اهداف اقتصادی مكتب اقتصاد اسلامي و اقتصاد سرمایه‌داری**، نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۸، پاییز صص ۷-۲۸.